خبر

انتشار خاطرات یک روستازاده از جبهه

«هیس! پیرمرد چهارده‌ساله خوابیده» خاطرات جلیل خلیلی افراتختی به قلم صادق کیان‌نژاد امیری در انتشارات سوره‌مهر به چاپ رسید. این کتاب داستان زندگی و خاطرات یک روستازاده به نام جلیل خلیلی افراتختی از روستای افراتخت استان مازندران است که در انتهای منطقه‌ای جنگلی به دور از هیاهوهای معمول زندگی، مشغول چوپانی بوده اما ندای انقلاب اسلامی را شنیده و جسورانه با آن همراه می‌شود. جلیل خلیلی پس از پیروزی انقلاب و آغاز جنگ، دلیرانه راهی جبهه می‌شود تا مانع نفوذ ارتش عراق به عمق خاک کشور شود. این کتاب در سیزده بخش از کودکی تا بزرگسالی راوی را بازگو می‌کند و در بخش آخر عکس‌ها و اسنادی از این روایت‌ها را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. ۲۵ جلسه ابتدایی مصاحبه با راوی، توسط ولی هاشمی انجام شده اما در ادامه، کار به صادق کیان‌نژاد سپرده می‌شود و ۴۰ ساعت مصاحبه به مصاحبه‌های قبلی اضافه می‌شود. به گفته نویسنده در تدوین کار نیاز به برخی جزئیات خاطرات بود که به سبب گذشت بیش از سی و اندی سال از تاریخ وقوع، در ذهن راوی نمانده بود اما سعی شده تا آنجا که می‌شود از بیان جزئیات دریغ نشود. این کتاب به همت دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری استان مازندران هم‌اکنون در بازار نشر موجود است.

گفت‌وگوی «جام جم» با میثم عبدی، کارگردان نمایش رومئو و ژولیت و چند کاراکتر دیگر

فرزند زمانه خود باش

رضا آشفته
گروه فرهنگ و هنر

نمایش «رومئو و ژولیت و چند کاراکتر دیگر» نوشته محمدامین نبی‌اللهی، امیرحسین اشرفی و میثم عبدی به کارگردانی میثم عبدی این روزها در تالار هامون اجرا می‌شود. نمایشی که با دیگر کمدی‌های میثم عبدی متفاوت است. این نمایش با چند میز و نیمکت در وسط صحنه، در پلاتوی تمرین تئاتری اتفاق می‌افتد که کارگردان، دستیار، نویسنده و تهیه‌کننده نمایش که با همدیگر دوستی دارند، دور هم جمع شده‌اند و قرار است درباره انتخاب بازیگران نقش‌ها به جمع‌بندی برسند؛ اما موضوعات متفاوتی به ویژه درباره خصوصیات کارگردان بین آنها باعث بحث و شوخی می‌شود. نمایش به شیوه رئال اما با تجربه‌گرایی و فرمی متنوع از میثم عبدی به عنوان کارگردان همراه است که بخش‌های متفاوتی از کمدی، موزیکال، ویدئوکال و غیره را دارد. گروه موسیقی زنده نیز اجرا را همراهی می‌کنند. در نمایش «رومئو ژولیت و چند کاراکتر دیگر» رامتین سلیمانی، مهرناز بختیاری، امین نبی‌اللهی، میثم عبدی، فائقه شلالوند، حامد قنبری، زینب هادیان، امین سعدی، پگاه امیرآبادی، مینا شجاعیان، نیلوفر خراسانی، متین هوشمندی، مهلا رمضان‌پور، احسان ابوالقاسم، بهناز شهسوار، امیرمهدی شبیری، مجتبی سعدآبادی و مروارید کفائی نقش‌آفرینی می‌کنند. با میثم عبدی درباره چند و چون این نمایش گفت‌وگو کرده‌ایم:

؟ ما شما را به عنوان کارگردان کمدی می‌شناسیم؛ انگار از کار قبلی‌تان به لحاظ فرم و شکل دارید تجربیات دیگری را پیش روی مخاطبان‌تان قرار می‌دهید؟

بله در واقع رومئو ژولیت و چند کاراکتر دیگر همان طور که از اسمش پیداست تکمیل‌کننده روند ما در نمایش قبلی است. پنگوئن، مرغ دریایی و چند پرنده دیگر؛ اما با رویکردی جدیدتر. زمانی که ما این نمایشنامه را می‌نوشتیم خودمان می‌دانستیم قرار است فضای جدید و البته خطرناکتری را در اجرا تجربه کنیم. فضایی روی لبه تیغ که امکان دارد تماشاگر عام یا حتی خاص با بخش‌هایی از اجرا موضع جدی پیدا کند. اما لذت تئاتر به همین رهایی و خطر کردن است؛ وگرنه می‌توانستیم یک نمایشنامه کلاسیک را انتخاب کنیم و چند ماه تمرین کنیم تا به طور قطع همه تماشاگران راضی از سالن بیرون بروند. ولی ما راه سخت را انتخاب کردیم و به سمت سبکی رفتیم که در متن و اجرا به اصطلاح امروزی جان می‌دهد برای به چالش کشیدن تماشاگر و خب، این از خاصیت‌های نمایش پست مدرن است که بعد از اجرا معمولا دو دسته مخاطب با نظرات «مخالف صد درصد» و «موافق صد درصد» به وجود می‌آید. این موضوع با تمام سختی‌هایش برای ما لذت‌بخش است.

؟ به نظرتان این روزها کار کردن اصولی روی متن‌های کلاسیک مانند رومئو و ژولیت نشدنی است یا نیاز دارد نگاه روزآمد به این متون نمایشی داشت؟

یکی از نقدهایی که برای اجرای ما نوشته شد، نقد امید طاهری بود. او دقیقا به همین سؤال شما در نقد اشاره می‌کند و کاملا درست است. بخشی از ایده محتوایی ما در متن و اجرا به همین عدم امکان وقوع اشاره می‌کند. به این معنی که هر امر کلاسیکی مثل نمایش‌های کلاسیک و حتی یک اتفاق عاشقانه کلاسیک و هر نوع رابطه اجتماعی و عاطفی کلاسیکی از منظر ما به عنوان پدیدآورندگان این نمایشنامه و اجرا، امکان به وقوع پیوستنش غیرممکن است. اگر هم به اجرا برسد مثل یک شیر بی‌یال و دمی می‌شود که مضحک و مضمحل به نظر می‌آید. به همین دلیل است که ما باز هم به سراغ یکی دیگر از عناصر هنر پست مدرن رفتیم؛ «هجو»! ما هر رویکرد کلاسیکی را در اجرا هجو می‌کنیم نه به این دلیل که آن اثر را هجو کرده باشیم، بلکه امکان وقوع و اضمحلال آن امر کلاسیک را مورد تمسخر قرار می‌دهیم. به هر حال در زمانه‌ای قرار گرفتیم که متر و معیارهای کلاسیک هنر، اعتبارشان زیر سؤال رفته و همه در حال ایجاد پرسش هستیم. پرسش‌هایی شبیه به این که آیا رومئو و ژولیت کار درستی کردند؟ آیا عشق به مفهوم رومئو و ژولیتی در دنیای امروز جوابگوی انسان معاصر است؟

؟ چه شرایطی باعث می‌شود متن کلاسیک دراماتورژی شود؟

پاسخ به این سؤال، زمانه است. زمانه تعیین می‌کند که ما به اثر از چه زاویه‌ای نگاه کنیم. نمونه واضحش خود من. ۱۰ سال پیش معتقد بودم نوعی از کمدی که در سلسله‌کمدی‌های افتضاحات و ارتباطات و اکتشافات و ارتفاعات و استشمامات زبان جامعه و محصول جامعه آن روزه است. خب اگر من دوباره بخواهم یکی از همان کارها را اجرا کنم، قطعا رویکرد ذهنی و نگاه شخصی‌ام به جهان تغییر کرده و باید براساس نبض زمانه دراماتورژی شود. خیلی‌ها می‌گویند این کار جدید تاریخ مصرف دارد و من هیچ اشکالی در این نمی‌بینم. می‌گویم خب اشکالش چیست؟ من سعی می‌کنم فرزند زمانه خودم باشم. هر چند موضوعاتی در هنر هست که هیچ‌وقت تاریخ مصرف ندارد و تنها شکل و شمایلش در هر دوره تاریخی تغییر می‌کند.

؟ چرا در دراماتورژی شما رومئو و ژولیت به حاشیه می‌رود و مباحث تئاتر کار کردن اصل و اساس وضعیت شما می‌شود؟

چون اصل برای ما همین حاشیه‌هاست. چون امروزه حاشیه‌ها بر متن غلبه پیدا کرده‌اند. در واقع رومئو و ژولیت بهانه و بستری را ایجاد می‌کند برای پرداختن به مشکلات و معضلات یک جامعه کوچک به اسم تئاتر و آن مشکلات که باعث می‌شوند کارگردان و گروه به سمت نابودی حرکت کنند به جای متن قرار می‌گیرند و خود متن اصلی یعنی رومئو و ژولیت به حاشیه می‌رود.

؟ کار کردن با نسل جوان‌تر چه حسن‌هایی دارد؟

من در کارگاه‌هایی که برگزار می‌کنم به هیچ‌کس قول نقش یا اجرای صحنه‌ای نمی‌دهم. نه این‌که کارگاه‌های ایده تا اجرا را زیر سؤال ببرم، نه اما خیلی برایم اتفاق خوشایندی نیست که یک عده به صرف این‌که پولی برای کلاسی پرداخت کردند، لزوما باید روی صحنه تئاتر قرار بگیرند ولی از آن طرف چون شیفته تشکیل گروه‌های بزرگ و پرانرژی هستم، تمام سعی‌ام را می‌کنم تا جایی که امکان دارد از بازیگرانی استفاده کنم که در کارگاه‌های من شرکت کرده‌اند و با هم به یک زبان مشترک حداقلی رسیده باشیم. البته هیجان، انرژی و خلاقیت جوان‌ترها همیشه در کارها به من کمک کرده و از این بابت خدا را شاکرم، هرچند بخشی از اعضای گروه یا هم سابقه یا هم دانشگاهی من هستند که در این راه برای ایجاد فضایی علمی‌تر و آکادمیک مرا همراهی کردند.

؟ با این گروه نسبتا جوان چه مسیری را برای سرانجام یافتن کارتان پشت سر نهاده‌اید؟

شاید باور نکنید ولی این نکته‌ای است که هر روز قبل از اجرا به بچه‌ها می‌گویم که هرکدام‌شان به نوعی با یک اتفاق عجیب همراه این اجرا شدند. از گروه موسیقی بگیرید تا بازیگران اصلی و حرفه‌ای و حتی دستیار من که آن‌قدر علم و دانش و آگاهی نسبت به این رشته دارد که من در طول تمرینات با توجه به این‌که خودم هم بازی می‌کردم، خیالم بابت اجرا و شکل‌گیری فضا راحت بود.

؟ در این نمایش که به لحاظ سبک‌شناسی به دلیل فراتئاتر شدن، دارد پست مدرن می‌شود. از ابتدا چقدر چنین سبکی برای‌تان معلوم بود؟

ما از زمان شروع نوشتن نمایشنامه و از زمانی که پیرنگ اصلی در حال شکل گرفتن بود، می‌دانستیم قرار است به سمت پست مدرن در اجرا حرکت کنیم. هم با توجه به هماهنگ شدن با ریتم زمانه و هم با توجه به موضوع خاص این نمایش که به قول شما به سمت فراتئاتر حرکت می‌کند.

؟ چرا برای طراحی صحنه به چند میز و نیمکت چوبی عین کافه‌ها بسنده کردید؟

اول این‌که صحنه در واقع پلاتوی یکی از شخصیت‌های نمایش است که اتفاقا دراماتورژ هم هست و تا جایی که ممکن بود عناصر اضافی را در دکور و صحنه حذف کردیم.

؟ پس چرا در طراحی لباس با تنوع نگاه و فرم مواجهیم و از لباس‌های واقعی به لباس‌های فرم گرایانه‌تر می‌رسیم. این تنوع چه دلیلی دارد؟

ایده دوتونالیته بودن لباس‌ها از سوی طراح لباس مینا شجاعیان مطرح شد که برای من جذاب بود و با توجه به اشاره شما به این موضوع می‌بینیم که آن ایده منتقل شده؛ همان‌طور که در فضای نمایش دچار یک دوگانگی خیال و واقعیت هستیم. عناصری که به ظاهر (تاکید می‌کنم روی کلمه به ظاهر) به واقعیت نزدیک‌ترند، از رنگ و لعاب کمتری برخوردارند اما عناصر رویایی و خیال به رنگ وابسته هستند و این یکی از ایده‌های طراحی لباس این نمایش بود.

؟ موسیقی و ترانه و همسرایی رکن جالبی در ابتدا و انتهای نمایش است؛ این موسیقی چگونه ترسیم شده است؟

موسیقی و ترانه نمایش به شکل عجیبی به صورت اتفاقی و بداهه شکل گرفت. در واقع من یک شب شعری را نوشتم و برای امین نبی‌الهی، یکی از نویسندگان و بازیگر نقش مانی فرستادم که از قضا دستی هم بر گیتار و نوازندگی دارد و او هم در مدت‌زمان کوتاهی به این ملودی رسید و همه این اتفاقات به‌دلیل انرژی خوب تمام اعضای گروه به وقوع پیوست.

خیلی‌ها می‌گویند این نمایش تاریخ مصرف دارد و من هیچ اشکالی در این نمی‌بینم. چون سعی می‌کنم فرزند زمانه خودم باشم

؟ گریم و ماسک به ضرورت نقش‌ها کمتر شده است؟

من در هیچ‌کدام از اجراهایم اعتقادی به گریم ندارم، مگر دیگر خیلی ضروری باشد و گریزی از تغییر فرم صورت‌ها نداشته باشیم. معتقدم بازیگر با میمیک و حس صورتش کاری را می‌تواند بکند که بهترین گریم‌های جهان هم قادر به انتقال آن حس و شخصیت نیستند. البته این نظر خیلی تند و رادیکال است و می‌دانم که مخالفان سرسخت و زیادی هم دارد.

؟ مواجهه با مخاطب از زمان نوشتن متن با چه تفکری شکل گرفت؛ چون شاهد کمدی‌ای هستیم که در آثار وودی آلن آن را تجربه کرده‌ایم؟

من پیش از این‌که شیفته وودی آلن باشم، شیفته تفکرات و نوع اجرای برشت بودم و البته همعصران برشت؛ ماکس فریش و دورنمات. نگاه من به مخاطب با توجه به آموخته‌هایم و مطالعاتم از روش اجرایی برشت قطعا بی‌واسطه‌تر و رودررو‌تر است. به این معنی که من هیچ چیزی برای پنهان‌کردن از تماشاگر ندارم و شاید یکی از دلایل عدم استفاده از گریم در اجراهایم همین مسأله باشد. صورت‌های بی‌واسطه در مقابل تماشاگر.

؟ اقبال عمومی از این کار طنزآمیز ما با پیچیدگی‌های روایی، چگونه و چقدر بوده است؟

خدا را شکر می‌کنیم که با انرژی خوب گروه روزهای ابتدایی اجرا را با مخاطب پرشور شروع کردیم و امیدواریم این روند همچنان ادامه داشته باشد. تا امروز که این مصاحبه را در خدمت شما هستم، حدود ۹۰۰ نفر از این نمایش دیدن کردند، در حالی که تعداد اجراهای ما هنوز به ۱۰ اجرا نرسیده؛ هرچند تعداد اندکی از افراد با هویت معلوم و نامعلوم در فضای مجازی سعی در ایجاد اختلال در روند تبلیغات و تلاش در جهت کاهش مخاطب ما داشتند که خدا را شکر با انرژی خوب گروه و لطف تماشاگران واقعی این موضوع نه فقط برای اجرای ما بد نشد، بلکه باعث شد صفحات ما در سایت فروش بلیت و فضای مجازی بیشتر دیده شود. به همین دلیل من از تمام مخالفان این نمایش کمال تشکر را دارم.

؟ نقد وضعیت تئاتر در یک اثر نمایشی چقدر به نفع شما و فضای کلی تئاتر است؟

نقد، همیشه خوب است، اما یک نکته را نباید فراموش کنیم؛ نقد یک تیغ برنده است که کافی است دست یک نابلد بیفتد. آن‌وقت به‌جای اصلاح امکان دارد فاجعه به‌وجود بیاورد. ما همیشه از نقد منتقدان استقبال کردیم و به همین دلیل در هفته ابتدایی اجرا علاوه بر دعوت از منتقدان، جلسه نقد هم برگزار کردیم که امید طاهری و علی جعفری فوتمی در آن به عنوان منتقد و سرکار خانم دکتر نیلوفر نادعلی، روان‌شناس حضور داشتند و با حضور تماشاگران هم از منظر نقد تئاتر و هم از منظر نقد اجتماعی و روان‌شناختی اجرا را تحلیل و بررسی کردیم.

برش

بخشی از مشکلات تولید تئاتر

من برای رساندن این نمایشنامه به اجرا علاوه بر درگیری‌های مالی و گرفتاری پیدا کردن پلاتوی مناسب برای ۱۸ بازیگر و مشکلات دیگر، یک مشکل اساسی و بزرگ هم داشتم، آن هم توجیه‌کردن اعضای شورای نظارت در مورد این‌که اگر ما با موضوع ممیزی و سانسور شوخی کردیم نه به این دلیل که خوشایند بخشی از تماشاگران باشد، به این دلیل که چه قبول داشته باشیم چه نه، بخشی از مشکلات تولید تئاتر هم در آن بخش وجود دارد. دقیقا مثل پیدا کردن سالن مناسب، تهیه‌کننده مناسب و.... بنابراین ما اگر قبول می‌کنیم که تئاتر ما در همه بخش‌های اجرایی و تولید مشکلاتی دارد، به هر حال واحد ممیزی هم بخشی از همان روند است و باید مشکلاتش نقد شود و اصلاحات صورت بگیرد. ما به هیچ‌وجه قصدمان مقابله با یک شخص یا حتی اشخاص در یک سیستم نبوده، بلکه ما بنیان و اساس هر چیزی را مورد نقد قرار دادیم.

میزانسن

«مرگ با طعم نسکافه» با صدای محمدرضا عیوضی

نمایش «مرگ با طعم نسکافه» به نویسندگی و کارگردانی بابک صحرایی از ۱۶ اردیبهشت ماه، ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه در عمارت نوفل‌شاتو روی صحنه می‌رود. «مرگ با طعم نسکافه»، نمایشی شش پرده‌ای است که با استفاده از کلیدواژه‌های مهم زندگی به روایت برش‌های دراماتیک در زمان حال، دهه ۳۰ و ۱۰۰ سال گذشته می‌پردازد. از نکات جالب توجه این اجرا، حضور پررنگ موسیقی است. بهنام شرفی، نیکی مظفری، گل‌ناز عباسی، بهراد محمدی، روشنک رضایی‌مهر و بابک صحرایی بازیگرانی هستند که در این اثر به ایفای نقش پرداخته‌اند. همچنین محمدرضا عیوضی و مسعود امامی به عنوان خواننده ـ بازیگر در این اجرا حضور دارند.

از دیگر عوامل این اثر می‌توان به طراح صحنه و لباس: منیره ملکی، طراح گریم: مهتاب حسنی، موسیقی متن: ستار اورکی، سرپرست موسیقی زنده: امیر مهراد، آهنگساز قطعات باکلام: حامی، علی موثقی، امیرعباس حسن‌زاده، تنظیم‌کننده قطعات باکلام: حامی، علی موثقی، امیر مهراد، نوازندگان: صادق نورانی، محمدرضا بختیاری، فرناز ساحری و روزبه سیاه‌منصوری اشاره کرد.

صحنه

نمایش «سپیده» ویژه بانوان روی صحنه می‌رود

نمایش «سپیده» به نویسندگی فهیمه حیدرزاده و تهیه‌کنندگی و کارگردانی اشرف رفیعی از ۲۸ فروردین تا ۵ اردیبهشت در تالار سوره حوزه هنری ویژه بانوان روی صحنه خواهد رفت.

نمایش سپیده روایتگر داستان پرستاری است که در زمان شیوع بیماری کرونا و دیگر مشکلات، مستاصل و درمانده شده است که با کتابی درباره امام زمان (عج) آشنا می‌شود و این کتاب سبب تغییر احوال و شخصیت او می‌شود. در این نمایش حورا حسن‌خانی، ریحانه طالبی، شکیلا کاوه، حنانه علی‌سواری، مهشید باقرزالکی، هلیا جانخانی، فاطمه جهانگیری، زینب غضنفری، نازنین فاطمه اصغری، مریم دارابی، عرفانه طالبی، زهراسادات قریشی، سیده ساعده آل‌محمدی، هدیه ابراهیم‌نصب، حانیه سادات میرباقری، مبینا صبری، مائده کشاورز و مهدا مولایی به ایفای نقش پرداخته‌اند. سایر عوامل نمایش عبارتند از دستیار کارگردان: الهام معارف‌وند، طراحی و دوخت لباس: زینب شهراد، الهه معصومی، افسانه هدایتی، فاطمه ملاعباسی، تنظیم و تدوین صوت: اشرف رفیعی، طراح و ساخت دکور و اکسسوار: رقیه مرادی، فاطمه سیاح، با همکاری خانم‌ها لیلا کشاورز و پریا جانخانی.

قاب

«الوعد الصادق» در میدان ولی‌عصر(عج)

روز ۲۷ فروردین و پس از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به رژیم غاصب صهیونیستی از جدیدترین دیوارنگاره میدان ولی‌عصر(عج) با عنوان «الوعد الصادق» رونمایی شد. در توضیح این دیوارنگاره آمده است: «اسرائیل از خانه عنکبوت سست‌تر است.» این دیوارنگاره به همت خانه طراحان انقلاب اسلامی به اجرا درآمده است و روح‌ا... مختاری طراحی گرافیک و مجتبی حسن‌زاده طراحی نوشتار این دیوارنگاره را برعهده داشتند.